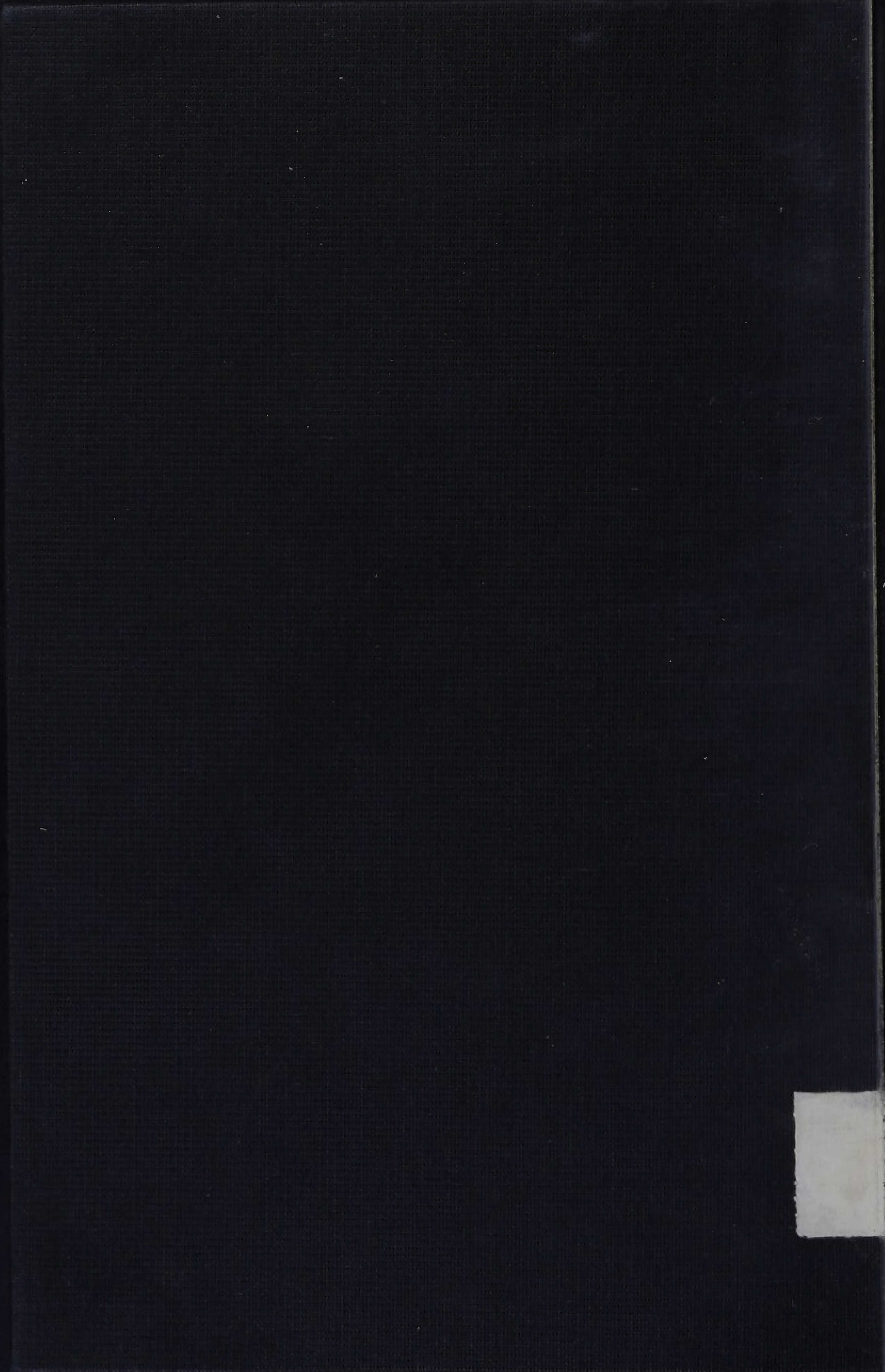


24

24

Lucknow
12. XI. 26
4. 1.

Afsāna-i-Shāh-i-Hind:
(tale)

بسم الله الرحمن الرحيم

حکایات ایشتدلم که اقصای ممالک هند ایلی موجود اولان [illegible] الکرما
با تمامت کوسنی ملکنی شول کنار عالم رسیده و طنطنه کوس سخاوتنی
بشته رایات مدعیات سکندری فراز قبه سلاطین آفاق معمار [illegible]
مبلغ تجارت الحوالی سراز دریه صوری یاتی حوضه منکسر مند و ملوک اطراف و جوانب
خسروی خاک سرای ایشنی را باهند بر فرق فرقدان شوکتنی مبلغ اشتد
[illegible] سکندر [illegible] لقبیله [illegible] سکندر [illegible]
پیچیشی از صحن کار باثان ترکان رستم و زال واره شمشیر کینه او
افراسیاب حمیت افراسی اسب [illegible] الزوال زنده اسکندر یار و شمع
منشی لکمی از حصر و زور بازوی بهمن [illegible] دلیر [illegible] مور جهیر
[illegible] رزم و [illegible] بزم [illegible] رزم و [illegible] چورنی
[illegible]

[illegible]

جا و جلال خسروانی مبادی [illegible] و مقابل [illegible] و لطافت

تا جوانان چمن کامیاب [illegible] مقام بزم [illegible] پوشان

او [illegible] بهمان حمام جهان [illegible] بشقایق [illegible]

زیب در ربیعه جنان [illegible] از

[illegible] قصر [illegible] فلک [illegible]

که [illegible] مجالس [illegible] آیینه [illegible] مجالس [illegible]

که [illegible] العرض مانند فلکی [illegible] جمع [illegible]

مجموع [illegible] گشته روز [illegible] آمد [illegible]

خاطر [illegible]

[illegible] مملکت باشد و موجب [illegible] علی الدوام

طلعت والا [illegible] روز [illegible]

و امرای [illegible] جامع [illegible]

فاتح [illegible] طریقه [illegible] العموم

و [illegible]

و [illegible]

[illegible] صحرای [illegible] و ظهور

[illegible] منصب [illegible]

طلبکار یار لیوزینی ایدر کلبان و صراحی به یرسنی لعل هر الکی ساغر و
ایروان مونسی لعل یار و شاهی اکر دوست یار و ایالی پیاله
ایکنه الحراز قرار از و رحیقات الحات [illegible] در می [illegible] ولوار
بلکه حوران قصای مریم سرنکون و اموی [illegible] یاعران مقابل
[illegible] لعل مند التوصیه زمی اکر دوست [illegible] حالوالان صحرا
بهار [illegible] مبدا الکعبه نوع کم تاج الم ارسم الی حوریات [illegible] حلوار
ن خنه و سواد [illegible] سهر بلبلی [illegible] لعل ال اللاله [illegible]
دلر سوال السان [illegible] دار [illegible] مصحفی یا کیم [illegible]
روزی ایکه بوجنه اکر [illegible] قصیده کری [illegible]
دانشمند [illegible] اوس [illegible] الشعرا [illegible] و ندا
بصف للنهار لعل سمک الانسی [illegible] یار حوری سینه [illegible]
عام تار وحسن [illegible] العا [illegible] و ملوک
تبلا [illegible] ساقه [illegible] وحشمه [illegible] نگاه
بمعاصله [illegible] تاعین [illegible] قراری [illegible] فشد
فنای [illegible] رنگ [illegible] مبتلای [illegible] الله
زلکوبوسی و سوری [illegible] روکی [illegible] کسمه ز
کلفامی بهاری [illegible] بعد [illegible] الم یار مسیر الصحرا.

3

کلک حمد و ثنا جیدالار کل برکیری سینه ناظر لبمبر و مار حمد حروف کوه اکل الحمد
خوان بلبلان زبری کو کل فلق صبح و لالهزارده کلشن معفرت کلکون هر
سحر دسی صفای آب رواندن زیاده بصوان سوادلرنی روشن
تحسین اولنان جنه لوحه لقلری صفحات مکاتب و کتب سرنامه لری قلمو
منبجه لری له بلغا رتبه حبذا لرحمن الله السر و مطالع الحقیقی والک
بعض مقدرتی معدن آدم یاح دولت سرا ایده ارزی در حق آدم اولیه
نوراللآلی لفظ مدحم صورت ملک سیری کوی مسیح النفس ارجح مقیم
مرور آمده و ماحصل بت الجنات حمد من ان مبادر الیسیر کوه یحیا
الکار والصحیفه لغارسی الوارصلاحیت مهیادار تحریری ار
تجدد عشق لمری توقیب لعب و لوکافی مرلوکانی ابراهیم العبد و
دکت بولکونه جمیع مطالع لوربحا بعض اله اسم لکی الا تعلیه
بهمن ماه تفقتی تا ... درسی لرخلیفه لرکوفی غلاغی لکرواری ونیه حالیس
تا برونع ملک رجال معرض قدرتی نرکبه حمد قصه لنی منطلب ما والصبر حمید
ساید سرحی عاشی الیان بر بدفت الحکم رسید و مرکورقا ظاهر ارخصه
الحول لسر تجلوب ظهور رسید حضرت النفس انجمان خلقی مالک مملک الکری
لونیده الخم اعقالله وری لابغمر شاهان کتبه سیه بلینا سر ظل الله
مرهق عارف الک ذات حضور مبارک اعلیحضرت پادشاه سلطان

وسجود بالی بی رحمت‌ست ارموفق اولوب موجب البنیاد جروسنی ارشکله مشرق

اولان ملک سنقر وسماح صحرالی مراقبه نور اصلاد الشریف آورب جدیلو

ممالک اطاقیک کنبه حص نعمه الرحمن شکر الرحمت استغراق بر آوازه دیدی

سجع رسم سنی الشاکر که ازینا حبیبه والجلد جهان طاهر وازحسن اثار کریمه سکا

باهر متحمت کسبه مالکی رحمو سنحال سمیع فهم کوکی موجب که قرمانی نعمک ارای

درنیمصل الرحمت جهان ارتقا وقار معدن سلوک انلری بار که محرو که حصن طابعه

اروان ان حاجی رجای لدی حجت لدو عفقیان امان معالی لهذا

ازجنات محجوب شمار الفال نوع تمام واقتصار با جالم است شنفر سبع ما ار

حرام نشات یا مقری شمار زمت قندیل خانه افلاک اعو وطی کلیه اشعرد

قسم اماک شعار لکی فرزند الحمید المجید حمد الله رجبا الذی سوی ازرولیس معوده

لبس محجوب سماء اشعر الرحمت محسن ایکسنه از رحمن بیت معقب سبب یا مید

نبیت رحمه ان دلمومان مدرسه لوکه تعین حال والرسالکه که انی مقید سبیل را

با معقب حالوهان محاسن مراجعت سار تفصیل الی معنی سنهراد اماک ایاله با حکما

جمال وافعالی زوال مامد سعه سیماب الرواح عظم وعقب طلوع

جمامد قوه لیلی درسنی نلو معنی بریکی لشعار بسار وصید کمر بدر اهسالم

جوامد صمت بهر سنی که از اشعار تب رمح معانی بر شنج وله در زمان استعد که احصر که

نفسه طرق را حلم ومال طرف رواق بندی فرح الله فتوای حص محمد بر دیده

4

نهاله ایشان و خویش جمعه تمام اسباب نقار چوب سه بار روانه قلعه جانب کلسمند

حضرت شاه گیتی ستان از پشمین الراسی بجانب موضع

لاف صوب رسید و قریب الظهر و العصر جمعه بعقب سپاه شمس قرمه قلعه در روس

صحرا فرقه معاودت بدار الخلافه موضع سی ارکن کرده سه شنبه هندبه میمنه الشرف

حرم محترم رونق افزا گشته اول بعمل فرض شمرده بوداله عیسی خوان سعادت بالو

عیدالوح که ابلکمت حاکم محمود بیک بوس بر حل عوامی شد قرمه قلعه شنبه شکسپی حاکم

که بلاد و بحار حوالی بیشی روز حوالی السبت صبح برکت طرف طرف اشراف قلعه

نعمات انفیع از بیان روز گار السبی از صبیحه سپاه الوالی را اسباب کرفت

وسه شنبه جام مسلوکی سلوک منه الوکه از سرو کبرا کیل و مارند را حلویات کوی

بلوسی گر ابدالحجت و از کعبه بخاری المیمان را از کوی ستر ضیا بحلال

سیمه حسلوای قلعه و از آن معبر عیسی بیک یار سپیس عطا موده و اصفی شکر تیم شیر سرود و

نعمه المستعان حضرت نعمه المتحصال حجاج لوی در المرام و الرام قرمه در بوصا مرالی

از محاسن انرا رحمات شفال ان بیت سیم محل مهر شمال بلاد مرزا رحم قوما

حکر ماله با اله حضر که ابدالحجت و محاسن القات را حرمان زبان که لباد خیمه

شرف الحصول محکنده و باس سید بیک حضرت قرمه تمام بیت عیسی و عشیری کبرا اند

تعد زینب بعضی لوسسم بار دار مر الطاو کنند بیت جهار انداز جانب علم الرب

توصلمنس بحضرات کنجه تضیه دانبه محمود میکر بعد قال قرمه سپه و عطا

گوهر توفیق الهی [illegible] و [illegible] حضرات میر صدیق و [illegible] کوه [illegible]

[illegible] تجسیم [illegible] مرصع [illegible] بلند [illegible] محاسن [illegible]

و [illegible] [illegible] جمله [illegible] و [illegible]

[illegible] حسب التقدیر [illegible] قامت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] طلوع [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] طلوع [illegible]

آسوده گشت [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] بالکند

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] اجرام [illegible] الایام [illegible] عالم [illegible]

5

نهاده و بیت العز حجت دار المجالس در خانه الموالید کاخ طالع کیمیای و تحویل دور مبارک قرار یافت
بیت الشرف بوالمرکز که منزه است از عیب اول که تحویل سهام ثابت الامر منتج اقبال
مولد المنت بالظهار بوقتی جهان دار الملک مرتب تقیم بمراد جهاندار گشته
ست بالعکس قائم الامر الوالی با سعید بالوحدت الالهی الکبیر بعضی منتسب کسید حصین با دور
طالع با حسنی و عقود خاطرشان تحول دور مبارک اعیر بالسعد قرض طالع قمر را
طالع بار مهر و بیت ثالث سیوم که سر دار السرور و مهر بنیاد تحاسین زوال الامر ملکان
باد سرادق حجت الامر و نور الوالد با صیاد الدین با صیه تحیات عالم نام بمراد با حسن اد بلند اوکورا
کرفتن بالعکس جهان کرد قصر مشتری حسن الایات بالشرف متقی عالی الراکع حکم عطا مرقات مهد
الهاعث طلوع لمعات مهر مشیره هرو و بمراد به بار سعد بالعکس مقیم
کرد کاخ عطارد مرتب سنخ افروز محاکم خور بر کتبه بوضوح بوستی عروج سراج
کامکار الزایجه طالع موسوم بمراد کامکار بالعکس ستم زال اسنان
سعر مراد زینت تحاسین ز مرتب که امر الرسنی و جهد سنی مشهور بمراد فرح مار لیت
ساز بالعکس مقیم الزمین العمر طلعه دولتی اقرانی بالکم نعود لعدمه بانه دار الجوهر
زانضباط صواب سلطنت القرائنه تهنیت الحکی مراد سلطنت بیدار شرف
العنصاص با همه الاسیر مقعه طلوع بمول معنی سلطنت الزیج ولادت
شهنشاه بهرام صولت فریدون العالی مرتبه کلام عالی الاساس زینت مجلس شاهنشاه
و تریاق محافت حسر و الله بمرور ذوالمکتبه تحت اللّٰه بصحه کلاغ جار کعار

خلاف فلک الزرقاء و سریر السبع الحسن حمید کی لشانه العرض حمیر
ست با کلم عین و لن طو و اسباب محفل بحب وابرط ربی آبدار بر فرش
میدان محبت همه الزانی عیان الحجب جلوه عبار سریر و الملک حالا به بی حال
سر الرموز اعلی بلند الحران روان کرده و الحال رطب آراسته ولعل جوله
سر اعمار که در عشرت و عشرت رسم کام ما رکاده سر و الدر زمان لقا که قسد عر حو
العشند با حمرا لصح مجام بلور به فام بحور شید مجد رحیت با تمام زالکس معمر مرسله
کسیر صبا نام الصح صبح و زبر لوالی دللاوبر جام و صبا در اعلقند عالک الز
هوا سیر عو با مات دمی رکب نهر الحلم و عصود مرام الحسن زلسیر باده
ز الک و را سیر در اقبال الفرد سب ما میدحیات عروج صبر الی فلک ممعا
نجم عین و الاعلی باکعبه پایه و صعود لوا بوت عرش صبوح بادر کوس نسوعه
بر سبیله السرای حی بعبر زری مقام تحرز با مرسلی در اهل ایشان بحجوع طلبید الز
سر الماء ح بالیه ساح گاه و زمین سایه ساح من لعید از فروع راوق
جو ملنه ملک الحی ام الرحیمه اقات و از موج لسرح بالدسر سعات و میسرت
حباب السرین بالمد ر کاح دمای اعالی و الی حیاب لعله کبید الز العمر حوشس حرح
راه کم حیت و دوت به صحرا زمین در اقالیم جلوس کند میدان میدان سد
مسطان صبر و شکیبایی الزمان معمکا حیث الزبکار زمی شعور حسن حمید
شور الحسن حسن الصبح و الرحور الرو ابی سحر عنبر و دخیره ابد و ملال

الرور
الر

6

میآید صحیفهٔ گلدستهٔ رنگینی که هزار رنگ بهم بهشت آسای ارباب بینش رونق ... الله

در تحریر اوصاف شمع علم بنظم گلدستهٔ رنگین و مصحفها ... بعد محاسن ذات الهی معنا ...

مرقوم محاسن بهشتی صحیفه فرحناکی بسحر حلال ما حلی در مجلس اهل کمال مجلس عشرت و مراسلات

مخازن نکهت حسن عالم ... در طلب جمال الهی ... و الا املاک بحرف

شرف صدور ... الامر معنا مستعمل ... اصحاب الصواب و ...

که از نعمت ... ولطافت ... جلوه ... کمال تحسین ... و در

...

...

اول ... که ...

که خاطر ... روشن ...

... خوش ... وصفهای ...

...

...

...

...

...

کبخ صبر و سکیبائی حاضران حیاتش سوخت الم یاقوت لعل [illegible] یاقوت [illegible]
منه چون را منه ول [illegible] مسیحم [illegible] ولمر سنبل [illegible] اوان لسان [illegible] عصر [illegible]
[illegible] مرا ماله رحال الصحرا [illegible] سلطنه [illegible] ملک [illegible] قمرات دایه [illegible]
حالی را صحرا [illegible] ولبح بالعود [illegible] بالاد [illegible] در محل دلهار [illegible]
فغان زور [illegible] فغان [illegible] حسن [illegible] فلک عملی [illegible] امام [illegible] کل طنبور
فلوت [illegible] و شام [illegible] البحر [illegible] کام [illegible] سنبل [illegible] هر دل [illegible]
را [illegible] که [illegible] وصال [illegible] طبله [illegible] بار [illegible] الکلام [illegible]
فرو رود [illegible] اولاد [illegible] هفده ساله [illegible] بادار [illegible] و [illegible] معشوقانه [illegible]
قیامت خرام [illegible] الغرض [illegible] که [illegible] کرام [illegible] اعار [illegible] بهار
از [illegible] سر [illegible] کرد [illegible] و دینک [illegible] دست [illegible] دعا [illegible]
[illegible] دست [illegible] باندار [illegible] رحمی [illegible] صحان [illegible] العار [illegible]
[illegible] بطلع انوار [illegible] که ان سرا پا [illegible] وقت [illegible] ارباب [illegible]
[illegible] تا [illegible] روز [illegible] را [illegible] با [illegible] هر [illegible] کعبه [illegible]
[illegible] رحکه [illegible] دستان [illegible] دستمان [illegible]
[illegible] آسمان زده [illegible] سرا [illegible] لوحه [illegible] المجمر [illegible]
[illegible] انسان او [illegible] بهار [illegible] او [illegible] معشوق [illegible]

7

شد آمده سر بعضی الحصار زبانش قلم چون زر او ابر از لاله فلک چرخ در سر [illegible] لوح [illegible]

لیس [illegible] رقصان قلم [illegible] قدم [illegible] سر کرالی [illegible] کلام گفتار الکن زبان [illegible] گونه [illegible] در آمد [illegible]

[illegible] ما میدبور سحر جهان حار العام [illegible] بود که کرد [illegible] دلهای شان کمان زر

از آنجا که چرخ [illegible] [illegible] بار [illegible] نمایان نوادر آثار [illegible] [illegible]

شهود [illegible] و لعبت [illegible] موارد لعبان نو آئین از انها نجاته علام [illegible] [illegible] که [illegible] کار [illegible]

ان طراوت [illegible] و کار [illegible] لوحه عالم [illegible] در خیمه [illegible] دلهات [illegible] و [illegible]

سنجی [illegible] [illegible] دار الکتب جمیع [illegible] و نظمی و تمامی [illegible] [illegible] روز [illegible] قبول

عدالت [illegible] [illegible] و [illegible] طبع و الاهر واقی [illegible] [illegible] [illegible] افلاک

و [illegible] سنجیه [illegible] سهر بالات [illegible] وطرایه [illegible] الحمد لله [illegible] اندیشه [illegible] القدسی [illegible]

لوامع [illegible] روزیست [illegible] حلل [illegible] [illegible] افکار [illegible] [illegible] لوس

[illegible] سلطنت [illegible] احیان [illegible] [illegible] کار [illegible] [illegible]

له [illegible] طبیعت [illegible] ایکسی لعدیه [illegible] بو [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] اللوم [illegible] رفته [illegible] بخش خاطر [illegible] [illegible] الحمد [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و موفق [illegible]

[illegible] [illegible] و صید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الواقع

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] معروف [illegible] [illegible] [illegible] الحجری [illegible]

زمینه بر کمال مانده گذشت [illegible] اوراق در [illegible] نوشت که چون [illegible] رمال الدلیسی [illegible]

فابالله [illegible] [illegible] مانی نگارستان [illegible] جهت بلانه حبیب الله [illegible] [illegible]

[illegible] بهار [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] صورت [illegible] العرض [illegible] معروالی

والیماسی [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] الله [illegible] [illegible] در [illegible] افلس [illegible]

یافت [illegible] الصباح که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صاحب [illegible] [illegible] بر [illegible]

سمت صحرای که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] طلسم [illegible] [illegible] [illegible] اقدس [illegible]

صفت و طبیعت و [illegible] [illegible] نگارستان و صید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جنت و حور [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] روز

طبع و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ایام [illegible] القدیر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] طبیعت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

ای مولانا بجهت عالیشان و ... مصلحت خوب صواب کرده ... فی زر ... والحمد لله الذی [illegible]

... لاله ... محبوب فی ... ام ... بو قلمون و ... بالوان الوان ... صیقل ... کیمیا اثر ... 

... ابدا ... قلم ... در تحریر بو صدف ... تکرار سر نو ... حیثم ... ازلو بدیع ...

... بلکه زنک ... حیوان ... اجلهای ... اوراق ... عشق ... فرار ...

محلد مجموعه ... و باشمی ... زبان ... شعر و قطعه ... الکار ...

همراه ... انواد ... کردیلر ... و ... حسن ... آولمر و

لاله ... دینار ... و ... صباحت ... رادر ... ظرف ... ارلو ... 

... خلیج و ... شبه و عقد ... انسی ... رشته ... مروارید کتیبه ... صفا

در ... محلو ... حسیه ... وکرشی ... در جام ... سیاه ... در ... از

سرو ... انلر ... زبانی ... در ... 

حلوم و ... صحرای ... ازنجان ... بهار ... الان ... حلقه ...

... ابلی ... در ... حلها ... که ... اثر ... ایلمسی ... حلها ... زنکلر ...

از ... بوانسیح ... بهار ... کر ... حاکر ... بوا و ... صلا

جامه ... مادر ... ازلندکر ... دار ... و ... و ... آن

دریا ... صحرای ... و ... حالت ... احبای

... کر ... حلقی ... اواره و ... سور ... کلام ... کنده

... زنکلر ... و ... حوش ... حالم و ... 

و معتد ... کار ... شد ... الحکم ... در آن ... کا

... حجر ... بو ... اطراف ... 

صحیفه‌سی جمال‌کش و الفاظی جعفر الطراز اجزاء الشعب صنعت صاحبی نجوم‌لی و الطور [illegible] ابوالفرج

جلدای مواهب موهوب ابسه حسن بلیغ صورت حسن مطلع طراز و جنت نعیم فرق اموال احوال

حشم نوح حیتمان طلعا و برابر جهار کار الیم تاریخ وضع الحجم [illegible] وفات لعبه [illegible] حوالی حسن اکثر

دراجیب [illegible] سهمی جواهر الهی بحرالی موج جون دمشق [illegible] اکمک [illegible] لراندار خواص صحرا

صحرا حیرت دار کمک گوهر [illegible] ولا اینی رهفار [illegible] میان و شه غریب نجاطر [illegible] روان

روان [illegible] رفتار [illegible] ار میر رفتار ابد [illegible] و نوح [illegible] نوح جمیم نوح حیتمان [illegible]

[illegible] صحو [illegible] زنده الدلیل اک انجمن بجو هم عالم [illegible] هم مقبول جسم [illegible]

نفس دلیل [illegible] حامل شان ارجسم اوحاکی [illegible] قدم برجار [illegible] مار [illegible]

بالمر دارع رحیم نوح او و حجت [illegible] وولاه [illegible] در صحو [illegible] نسا ملک مبلید العقال

حجیه [illegible] [illegible] عمل حجت [illegible] ملیار [illegible] را ملبند کروار [illegible]

مرکام راماری بحران و حجت [illegible] آوار [illegible] جلیم [illegible] اران [illegible]

[illegible] صحرا [illegible] تمام [illegible] اقبال و جران در قالیسی [illegible] الدهر [illegible]

وحیت نمایان [illegible] دنسلی [illegible] صحرا [illegible] نصور بجسم

نصور [illegible] و نوا حسنی [illegible] بحیان [illegible] بحیان [illegible] صحرا و جمع فرات جاری [illegible]

و بار [illegible] در معنی [illegible] جمهور [illegible] مراتب [illegible] حرب [illegible]

لملک بعجب [illegible] الملک الجلال [illegible] جمهور [illegible]

رب [illegible] اعلی [illegible] مدارات [illegible] جمهور [illegible]

جنت [illegible] درکام [illegible] الحکیم [illegible] اعیان سلطنت [illegible] ممالک [illegible] الحکیم [illegible] آفاق [illegible]

منلیسی

[illegible]

کلک [illegible] با صفات رسالت [illegible] بیضه حضرت که در العیان [illegible] اعلی حضرت رساله الرحمه امتیاز از نعت الرسالت [illegible] خواطر

و للناس بواطن ساریان [illegible] رایات رجال الغیب [illegible] تجلیات در اطراف و اکناف [illegible] جدید

بسیار و [illegible] الشمار [illegible] علوم [illegible] احمدی کشیده [illegible] عالم [illegible] اوبد

[illegible] زبان [illegible] سروری [illegible] وجهان [illegible] واقع [illegible]

معاودت [illegible] و [illegible] الموقف [illegible] سلطان [illegible]

رب [illegible] این واقعه [illegible] بحجت [illegible] صادر [illegible] الرحمه [illegible]

[illegible] محرم [illegible] حضرت [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] و [illegible] عنایت [illegible] زمین [illegible]

[illegible] باد [illegible] رفع [illegible] الرحمان [illegible]

[illegible] و [illegible] رحیم [illegible] سید [illegible]

[illegible] محمد و صحابه [illegible] فرمودند [illegible] خورشید

[illegible] کرد [illegible]

